



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

گروه فقه و مبانی حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته الهیات و

معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق

بررسی فقهی احکام قاعدگی زنان در فقه امامیه

مریم راجی اسد آبادی

استاد راهنما سرکار خانم دکتر فریبا حاجیعلی

استاد مشاور جناب آقای دکتر عابدین مؤمنی

مهر ماه ۱۳۸۹

تقديم به

پيشگاه با عظمت صديقه ي طاهره مظلومه ي شهيده سيده
النساء العالمين نور چشم و پاره تن و روح رسول الله زهراي
مرضيه عليهاالسلام و هديه به محضر مقدس فرزند عزيزش
حضرت بقيه الله الاعظم يگانه مصلح جهان بشريت اباصالح
المهدي حجه ابن الحسن العسكري ارواحنا و ارواح العالمين
له الفداء

سپاسگزاری

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ كَمَالَ دِينِهِ وَ تَمَامَ نِعْمَتِهِ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ

بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ

أَبِي طَالِبٍ (ع) وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ رُوحِي وَ أَرْوَاحِ الْعَالَمِينَ لَهُمُ الْفِدَاءُ.

مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ

با سپاس از زحمات و راهنماییهای بی دریغ استاد راهنمای عزیزم

سرکار خانم دکتر فریبا حاجیعلی و استاد مشاورم جناب آقای دکتر

عابدین مؤمنی

و تشکر از همسر عزیزم که استاد راه و راهنمای من در زندگی بوده

اند.

و از زحمات دختر و پسر عزیزم که در تدوین این پایان نامه مرا

یاری نموده اند.

چکیده

احکام قاعدگی احکام مورد ابتلای زنان است. تمام زنان از سن بلوغ تا یائسگی تقریباً ماهیانه سه تا ده روز خون می بینند و ممکن است در هر قاعدگی شرایط آن عوض شود و زن با مسائل جدیدی روبرو شود و امکان دارد که خون حیض با استحاضه و یا دیگر خونها مشتبه شود تعلیم این احکام دارای اهمیت ویژه ای می باشد. شارع مقدس برای این خون صفات و شرایطی مقرر فرموده است. از جمله ی صفات عبارت است از رنگ خون که قرمز، یا قرمز مایل به سیاه است و تازگی و حرارت خون و خروج خون با فشار و سوزش می باشد.

و شرایط هفت گانه خون حیض عبارت است:

۱- این خون در زمان بلوغ است.

۲- قبل از سن یائسگی است.

۳- کمتر از سه روز نمی باشد.

۴- در این سه روز خون استمرار دارد.

۵- در این سه روز خون توالی دارد.

۶- اکثر از ده روز نیست.

۷- اقل طهر ده روز است.

خون حیض دارای ویژگیهایی است که زنان را به دو دسته صاحب عادت و غیر صاحب عادت تقسیم می کنند. و زنان صاحب عادت نیز به اقسام زنان صاحب عادت وقتی و عادت عددیه و صاحب عادت وقتی و عددیه تقسیم می شوند.

زنان غیر صاحب عادت نیز به زنان مبتدئه و مضطربه و ناسیه تقسیم می شوند. و هر کدام از این زنان احکام مختص به خود دارند. به علاوه احکام مشترکی بین تمام اقسام زنان وجود دارد که در به آنها اشاره شده است.

فهرست مطالب

مقدمه: ۱

۶

فصل ۱- کلیات

بخش ۱-۱-۱- معنا شناسی واژگان و اصطلاحات ۶

گفتار ۱-۱-۱- واژه دم ۷

گفتار ۱-۱-۲- واژه حیض ۹

گفتار ۱-۱-۳- استحاضه ۱۱

گفتار ۱-۱-۴- قاعده و قاعدگی در لغت و اصطلاح ۱۲

گفتار ۱-۱-۵- واژه بکارت ۱۳

گفتار ۱-۱-۶- واژه جرح ۱۵

گفتار ۱-۱-۷- واژه یائسگی ۱۸

گفتار ۱-۱-۸- واژه نفاس ۲۰

گفتار ۱-۱-۹- واژه طهر ۲۲

بخش ۱-۲- پیشینه تاریخی مباحث مربوط به قاعدگی ۲۵

گفتار ۱-۲-۱- زمان نوح ۲۷

گفتار ۱-۲-۲- یهود و حیض زنان ۲۸

گفتار ۱-۲-۳- مسیحیان و حیض ۲۸

گفتار ۱-۲-۴- حیض در جاهلیت ۲۸

گفتار ۱-۲-۵- ایران باستان و مسئله ی حیض ۲۹

گفتار ۱-۲-۶- مسئله حیض و مباحث مربوط به قاعدگی در زمان ظهور اسلام ۳۰

گفتار ۱-۲-۷- حیض در دیدگاه تفاسیر ۳۴

گفتار ۱-۲-۸- در زمان غیبت ۴۳

فصل ۲- ماهیت حیض ۴۵

بخش ۱-۲- ماهیت شرعی حیض ۴۵

بخش ۲-۲- تعریف شرعی حیض و حدود آن ۴۶

بخش ۳-۲- ماهیت شرعی حیض و حدود آن ۴۶

گفتار ۱-۳-۲- ماهیت طبیعی حیض ۴۹

گفتار ۲-۳-۲- تصرف شارع در موضوعات طبیعی و تکوینی ۵۴

بخش ۴-۲- تصرف شارع در امور تکوینی در اقوال فقها: ۵۸

- گفتار ۲-۴-۱- تصرف شارع در امور تکوینی در روایات: ۶۱
- بخش ۲-۵- صفات خون حیض ۶۳
- گفتار ۲-۵-۱- صفات حیض ۶۴
- گفتار ۲-۵-۲- بررسی صفات حیض ۶۶
- گفتار ۲-۵-۳- حرارت ۶۷
- گفتار ۲-۵-۴- خروج با فشار و سوزش ۶۷
- گفتار ۲-۵-۵- تازگی خون ۶۸
- گفتار ۲-۵-۶- بررسی صفات به عنوان ۷۰
- گفتار ۲-۵-۷- قاعده امکان ۷۹
- گفتار ۲-۵-۸- دلیل قاعده امکان ۸۳
- گفتار ۲-۵-۹- گستره قاعده امکان ۹۳
- گفتار ۲-۵-۱۰- میزان حجیت قاعده ۹۴
- گفتار ۲-۵-۱۱- غالبی بودن صفات حیض ۹۵
- گفتار ۲-۵-۱۲- تعارض صفات ۱۰۰
- فصل ۳- ملاک تشخیص حیض ۱۰۸**
- بخش ۳-۱- تشخیص حیض از استحاضه ۱۰۹
- بخش ۳-۲- تشخیص خون حیض از بکارت ۱۱۷
- بخش ۳-۳- تشخیص خون حیض از خون جروح و قروح ۱۳۰
- بخش ۳-۴- شبهات چند طرفه ۱۳۳
- فصل ۴- شرایط حیض ۱۳۴**
- گفتار ۴-۱-۱- شرط حکم به حیض با بلوغ نه سال ۱۳۵
- گفتار ۴-۱-۲- حیض قبل از یائسگی ۱۴۱
- گفتار ۴-۱-۳- اشتراط اینکه اقل حیض کمتر از سه روز است ۱۵۲
- گفتار ۴-۱-۴- اعتبار توالی در اقل حیض ۱۵۸
- گفتار ۴-۱-۵- استمرار خون حیض در سه روز ۱۶۴
- گفتار ۴-۱-۶- حداکثر حیض بیشتر از ده روز نیست ۱۶۹
- گفتار ۴-۱-۷- اقل طهر (فاصله دو حیض) کمتر از ده روز نیست ۱۷۲
- فصل ۵- اقسام حائض ۱۷۹**
- گفتار ۵-۱-۱- صاحب عادت ۱۸۳
- گفتار ۵-۱-۲- صاحب عادت وقتیته ۱۸۴

۱۸۴	گفتار ۵-۱-۳-صاحب عادت عددیه» .
۱۸۴	گفتار ۵-۱-۴-صاحب وقتیه و عددیه
۲۲۱	بخش ۵-۲-صاحب غیر عادت
۲۲۱	گفتار ۵-۲-۱-زن مسبوق به عادت نیست:
۲۲۱	گفتار ۵-۲-۲-مسبوق به عادت است:
۲۲۳	گفتار ۵-۲-۳-بیان دلالت مرسله یونس بر زنی که فاقد عادت است:
۲۳۱	فصل ۶- احکام حائض
۲۳۲	بخش ۶-۱- احکام مختص
۲۳۲	بخش ۶-۲- احکام مختص اقسام زنان صاحب عادت
۲۳۲	گفتار ۶-۲-۱- احکام مربوط به صاحب عادت وقتیه
۲۳۲	گفتار ۶-۲-۲- احکام مربوط به صاحب عادت عددیه
۲۳۲	گفتار ۶-۲-۳- احکام مربوط به صاحب عادت عددیه وقتیه
۲۳۵	گفتار ۶-۲-۴- در حصول عادت وقتیه با تکرار حیض
۲۵۱	بخش ۶-۳- حکم صاحب عادت عددیه
۲۵۹	بخش ۶-۴- حکم صاحب وقتیه و عددیه
۲۶۳	بخش ۶-۵- احکام مختص مبتدئه و مضطربه و ناسیه
۲۶۳	گفتار ۶-۵-۱- حکم مبتدئه:
۲۷۹	گفتار ۶-۵-۲- حکم مضطربه
۲۹۹	گفتار ۶-۵-۳- حکم ناسیه
۳۱۲	بخش ۶-۶- احکام فرعی
۳۱۲	گفتار ۶-۶-۱- حکم خون کمتر از ده روز
۳۱۳	گفتار ۶-۶-۲- حکم مازاد بر ده روز با احتمال عادت
۳۲۲	گفتار ۶-۶-۳- حکم دو خون
۳۲۷	گفتار ۶-۶-۴- وجوب استبراء هنگام انقطاع
۳۴۹	گفتار ۶-۶-۵- استظهار
۳۶۵	بخش ۶-۷- احکام مشترک
۳۶۷	گفتار ۶-۷-۱- محرمات بر حائض:
۳۶۷	گفتار ۶-۷-۲- مکروهات بر حائض:
۳۶۷	گفتار ۶-۷-۳- واجبات بر حائض:
۳۶۷	گفتار ۶-۷-۴- مستحبات بر حائض:

بخش ۶-۸- واجبات بر حائض ۴۲۷

بخش ۶-۹- مستحبات برای حائض ۴۴۴

بخش ۶-۱۰- آنچه بر حائض مکروه است: ۴۶۳

فصل ۷- نتیجه: ۴۷۲

مقدمه:

از آنجا که انسان دارای عقل و اندیشه و خلیفه الله فی الارض است، برای جزء جزء زندگی اش برنامه و قوانینی از طرف خداوند متعال ارائه شده است. که این برنامه و قوانین روح عبودیت و بندگی را در انسان زنده می کند، این روحیه تعبد و بندگی اصولاً هدف خلقت اوست «ماخلقت الجن والانس الا ليعبدون»^۱ خداوند متعال احکام و قوانین را از طریق پیامبران و سنت معصومین برای بشریت وضع کرده است تا او در زندگی اش متحیر و سرگردان نماند و در هر برحه ای بداند وظیفه او چیست. او را ملزم به یادگیری احکام خود کرده است.

تا جایی که رسول اکرم در مورد فراگیری احکام فرمودند :

«اف باد بر هر مسلمانی که هر هفته یک روز را برای شناخت امر دین خود و پرسش از آن قرار ندهد».^۲ رسول اکرم می فرمایند: "کسی که یک مسئله یاد بگیرد خداوند متعال درقیامت هزار گردن بند از نور به گردن او می آویزد و هزار گناه او را می بخشد و برای او شهری بنا می کند و به اندازه هر مویی از بدن او ثواب حج و عمره می نویسد ."^۳ امام باقر فرمودند :

"اگر جوانی از شیعه به نزد من آورده شود که در صدد فهم و فراگیری احکام دین خود نباشد که در صدد فراگیری احکام دین خود نباشد ، او را تنبیه دردناک می کنم."^۴ امام صادق فرمودند :

راستی دوست می دارم که با تازیانه بر سر اصحابم زده شود تا احکام دین خود را فرا بگیرند و بفهمند ."^۵ طبق فتوای مراجع عظام تقلید :

"مسائلی که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد ، واجب است یاد بگیرد ."^۱

^۱- سوره ذاریات ۵۶

^۲- بحارالانوار ج ۱ ص ۱۷۶، مجلسی علامه محمد باقر، ۱۰۰۳ - ۱۰۷۰، زبان عربی، ناشر دار محجه البیضا، مکان چاپ بیروت لبنان، ۱۴۲۳ق، مترجم موسوی همدانی، ناشر اسلامیة، تهران

^۳- عوالم-العقل والعلم ص ۱۳۰ بحارالانوار ج ۱ ص ۱۷۶ مجلسی علامه محمد باقر ۱۰۰۳ - ۱۰۷۰ زبان عربی ناشر دار محجه البیضا مکان چاپ بیروت لبنان ۱۴۲۳ق، مترجم موسوی همدانی، ناشر اسلامیة، تهران

^۴- سفینه البحار ج ۱ ص ۶۸۰ قمی، شیخ عباس، ۱۲۵۴-۱۳۱۹ ترجمه محمدباقر ساعدی، نشر مشهد، کتابفروشی جعفری

^۵- اصول کافی ج ۱ ص ۳۱ کلینی، ناشر اسلامیة، تهران، ۱۳۶۲ چاپ دوم

در قرآن کریم آمده است: (فَلَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لَيَنْتَفَعَنَّهُوا فِي الدِّينِ)؛ چرا از هر فرقه‌ای از آنان گروهی رهسپار نشوند که دین پژوهی کنند.^۲

ارتباط مستقیم مسلمین با منابع الهام الهی مطابق نظر اهل سنت تا سال یازدهم هجرت (سال وفات پیامبر ص) بوده اما شیعیان امامیه تا اواسط قرن چهارم یعنی دوران فرا رسیدن غیبت کبری در عصر تشریح به سر می بردند.

شیعه به پیروی از کتاب خدا و سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله) به منظور استنباط احکام شرعی، از چهار منبع اساسی به شرح زیر، بهره مند می شود.

کتاب خدا، سنت، عقل، اجماع

مسائل اصلی این پایان نامه با توجه به روایات و جوب یاد گیری احکام از آنجا که احکام قاعدگی مورد ابتلای هر بانو و دوشیزه ای مکرر در هر ماه است بر آنها واجب است که این احکام را بیاموزند. و بانوان مرتب با این احکام برخورد پیدا می کنند و با وظایف جدیدی مواجه می شوند، و اغلب بنابر خصوصیت حیا و عفت ممکن است از پرسیدن و یاد گرفتن کوتاهی ورزند. و با مراجعه به رساله نتوانند حکم مورد نیاز خود را به طور واضح پیدا کنند.

بعضی نیز مشتاق هستند که دلیل هر حکم را که به آن عمل می کنند بدانند.

و از آنجا که علم به دلیل هر حکم موجب اشتیاق به عمل بر آن حکم می شود سعی شده در این وجیزه در مورد احکام قاعدگی به صورت استدلالی بحث شود. تا مورد استفاده ی این قشر از جامعه قرار گیرد. قاعدگی عبارت است از خون حیض و آن خونی است که بعد از بلوغ ماهیانه چند روزی طبق شرایط خاصی از رحم خارج می شود، دارای فشار و سوزش و حرارت می باشد. و اوصاف خون حیض بر خلاف استحاضه است. بعضی اوقات جهت تشخیص و رفع اشتباه از اوصاف تمییز داده می شود. هر خونی را که دختر قبل از بلوغ و اتمام نه سال قمری می بیند حیض نیست. اگر چه اوصاف حیض را داشته باشد. و استحاضه بودن آن بعید نیست. و هم چنین خونی را که زن یائسه می بیند حیض نیست. اینها همگی مسائلی است که در بحث دمء ثلاثه به طور اخص در بحث حیض مطرح است.

^۱ - توضیح المسائل سیزده مرجع امام خمینی وآیه الله خویی مسئله ۱۱ نشر دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، گردآورنده بنی هاشمی

خمینی چاپ سیزدهم بهار ۱۳۸۵

^۲ - توبه ۱۲۲

اما تشخیص ملاکهای هر یک از یکدیگر و مواضع رجوع به صفات یا سایر ملاکها بحثی اختلافی میان مراجع عظام است. در مورد شرایط تحقق خون حیض و استمرار اختلاف فاحشی بین برخی از بزرگان وجود دارد. مهمترین اختلاف نظر میان فقها بحث یائسگی و اتمام حیض است. آیا باید سن را ملاک دانست؟ چه سنی؟ چرا؟ آیا در مورد خونهای قبل از بلوغ می توان نظر مشهور را پذیرفت؟ آیا دلایل قانع کننده است؟.....

اینها شبهاتی است که در مورد مسئله حیض و استحاضه میان مکلفین در این مسائل تبعدی از مراجع خود تقلید می کنند. در حالی که اختلافات بسیار اساسی میان نظرات مراجع وجود دارد.

مسائل اصلی پایان نامه که در این مختصر وجود دارد عبارت است از:

- ۱) ماهیت و صفات خون حیض از نظر شرع مقدس چیست؟
- ۲) شروط تحقق حیض و عادت ماهیانه چیست؟
- ۳) راههای تشخیص حیض و ملاک تمییز آن از سایر خونها چیست؟
- ۴) اقسام زنهای حائض را چگونه می توان تشخیص داد؟
- ۵) ملاک یائسگی زنان چیست؟

سابقه ی این پایان نامه به نظرات متفاوت مراجع تقلید در رابطه با وظایف و احکام زن حائض، صفات و ماهیت خون او بر می گردد. که در لابلائی متون فقهی و رساله های عملیه و کتب استدلالی عباراتش وجود دارد.

انجام تحقیق برای اطلاع رسانی بانوان و دوشیزگان ضرورت دارد، تا موجب تصحیح اعمال عبادی آنان شود و راهگشای برخی معضلات فعلی واقع شود.

فرضیه ها:

الف) خونی که به طور طبیعی از رحم زنان خارج شده و طبق شرایطی خاص حکم حیض را پیدا می کند و غالباً صفات آن قرمز مایل به سیاه، غلیظ، با حرارت، فشار و سوزش خارج می شود.

ب) شرایط این خون:

- ۱- خون حیض، خونی است که از دختر بالغ خارج می شود.
- ۲- خون حیض قبل از سن یائسگی دیده می شود.
- ۳- مدت حیض کمتر از سه روز نمی باشد.
- ۴- در مدت سه روز خون توالی دارد.

۵- در این مدت سه روز خون استمرار دارد.

۶- فاصله دو خون حیض کمتر از ده روز نیست.

۷- خون حیض بیشتر از ده روز ادامه ندارد.

ج) با توجه به وقت و عدد و تمییز و یا عادت اقارب و روایات می توان محدوده‌ی خون حیض را مشخص کرد.

د) براساس وقت و عدد و سایر ملاکها امکان تقسیم زنان وجود دارد که عبارتند از:

۱- مبتدئه

۲- مضطربه

۳- ناسیه

۴- صاحب عادت وقتیه

۵- صاحب عادت عددیه

۶- صاحب عادت وقتیه و عددیه

هـ) نظراقوا سن زنان ملاک یائسگی می باشد که در زنان سیده شصت سال و غیرسیده، پنجاه سال قمری است. ولی نظرات مخالف دیگری نیز وجود دارد.

اهداف پایان نامه

محتوای پایان نامه رفع شبهات و پاسخ به ایرادات و اختلافاتی است که در انجام اعمال عبادی مورد نیاز هر بانو و دوشیزه‌ای می باشد. و به شیوه استدلالی بحث شده است که خواننده را با شوق و رغبت به روایات ائمه اطهار به انجام اعمال تعبدی تشویق کند.

کاربردها

عموماً کاربرد در مباحث عبادی بانوان از قبیل نماز، روزه و انجام مناسک حج و راه گشایی برای برطرف شدن مراجع عظام تقلید می باشد.

استفاده کنندگان از نتیجه ی پایان نامه کلیه دست اندرکاران بیان احکام بانوان بویژه در مورد روحانیون و متخصصان مسائل شرعی و پاسخ گویان استفتائات.

جنبه ی نوآوری این وجیزه در مورد برخی شروط حیض و نظرات جدید در یائسگی و بررسی اختلاف مراجع است.

روش انجام تحقیق کتابخانه ای از نوع توصیفی تحلیلی داده ها و اطلاعات است. و روش و ابزار گرد آوری اطلاعات استفاده از منابع و مراجع موجود در کتابخانه های معتبر اسلامی است. از کتابهای مراجعی چون امام خمینی و آیت الله خویی و مرحوم محمد حسن نجفی و مرحوم سید محمد کاظم طباطبایی یزدی و توضیح المسائل سیزده مرجع و غیره استفاده شده است.

۱- کلیات

۱-۱- معنا شناسی واژگان و اصطلاحات

مقصود از واژه شناسی در هر علم این است که به تفهیم و تفاهم معانی لغات در آن علم می پردازد، زیرا از مهمترین مبادی تصویری هر علم واژه شناسی است. و کسی که مبادی را نداند نمی تواند وارد مسائل آن علم شود و در ضمن ممکن است بعضی از کلمات در هر رشته از علم، معانی متفاوت داشته باشد که منجر به سردرگمی خواننده آن شود بنابراین در ابتدا به معنا شناسی واژه ها و اصطلاحات آن علم می پردازند. برای واژه شناسی از لغت نامه ها و فرهنگ ها استفاده شده است و چون بحث در فقه است سعی شده است که واژه ها و اصطلاحات در فقه و قرآن نیز بررسی شود.

در ابتدا به واژه شناسی کلمات زیر می پردازیم:

- ۱- دم
- ۲- حیض
- ۳- استحاضه
- ۴- قاعدگی
- ۵- بکارت
- ۶- جرح
- ۷- یائسگی
- ۸- نفاس
- ۹- طهر

۱-۱-۱- واژه دم

الف - معنای لغوی

الدَّم^۱

ج دِمَاءٌ وَ دُمِيّ [دمی]: خون، اصل این واژه (دَمِيّ) یا (دَمَوٌ) است که لام آن حذف شده است و گاهی لام آن به میم تبدیل و ادغام می شود مانند (دَم). مثنای این واژه (دَمَانِ وَ دَمِيَانِ وَ دَمَوَانِ) است. دمى: اسبان بسیار سرخ رنگ و مانند آن، تیر که بر روی آن سرخی خون باشد. دَم: گربه^۲ اصل آن ، دمى است و بعضی دمو گفته اند..^۳

ب- معنای اصطلاحی دم

ب-۱ دم در اصطلاح قرآن

دم: خون.^۴

«إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ ...»^۵ بر شما گوشت حیوان مرده و خون و خوک حرام شد. جمع آن دماء است. مثل أ تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدَّمَاءَ ..^۶ ایا در آن کسانی را قرار می دهی که فساد کنند و خون ریزی کنند.

کلمه دم هفت بار و دماء سه بار در قرآن مجید آمده است و خوردن خون به صریح آیات قرآن حرام است و آن یکی از معجزات نه گانه حضرت موسی است.^۷ دَم خون (دَمَانِ وَ دَمِيَانِ تثنیه).

(اصل آن دَمَوٌ و به قولی دَمِيّ بوده و مصغر آن دُمِيّ و نسبت به او دَمِيّ و دَمَوِيّ است).

^۱-فرهنگ ابجدی، عربی به فارسی، ص ۳۵، مهیار رضا

^۲-همان

^۳-جامع نوین ج ۱ ص ۴۷۹، سیاح، انتشارات اسلام، تهران

^۴-همان

^۵-قاموس قران ج ۲ ص ۳۵۹-سیدعلی اکبر قرشی-دارالکتب الاسلامیه -تهران-۱۳۷۱-چاپ ششم

^۶بقره ۱۷۳ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلٌ بِهِ لَعْنَةُ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

^۷بقره ۳۰ وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَ تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدَّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

^۸-قاموس قران ج ۲ ص ۳۵۹-سیدعلی اکبر قرشی-دارالکتب الاسلامیه -تهران-۱۳۷۱-چاپ ششم

دم^۱

أصل الدّم دمی، و هو معروف، قال الله تعالى: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ^۲، و جمعه دِمَاءٌ، و قال: لا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ^۳
إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ^۴ قوله تعالى فَإِنَّهُ رِجْسٌ: به علت استثنای آن از حلال است.^۵

ب- ۲ دم در اصطلاح فقه

در کتاب عروه الوثقی در ارتباط با این واژه آمده است:

« خون یا از هر نفس سایل انسان یا غیر آن پیر یا جوان کم یا زیاد نجس است. و مثل ماهی و پشه و قورباغه و از غیر موجود مثل خون موجود در زیر سنگها هنگام قتل سیدالشهدا و استننا از آن خون در هنگام ذبح چه در گوشت و یا در قلب یا کبد یا در رگها پاک است.»^۶
در کتاب الطهاره آمده است:

خون نجس العین اگر با سایر اجزا ملاقات کند، موجب نجاست دیگری می شود، و آن عفو نشده است.^۷

^۱ -المفردات فی غریب القرآن ص ۳۱۸-راغب اصفهانی حسین بن محمد-دارالعلم دارالشمیه دمشق-۱۴۱۲-چاپ ششم-تحقیق صفوان عدنان
^۲ -سائده ۳ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلُ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخِنِقَةُ وَ الْمَوْفُودَةُ وَ الْمُرْتَدِيَةُ وَ النَّطِيحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَ مَا ذَبِحَ عَلَى النَّصَبِ وَ أَنْ تَسْتَفْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسُقُ الْيَوْمَ تَيْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِيْتِمِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ
^۳ -بقره ۸۴ وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَاقُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أَوْ أَهْلٌ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ

^۴ -انعام ۱۴۵ فَإِنَّ قَوْلَهُ تَعَالَىٰ فَإِنَّهُ رِجْسٌ تَعْلِيلٌ لِاسْتِثْنَائِهَا مِنَ الْحَلَالِ قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أَوْ أَهْلٌ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

^۵ -الطهاره امام خمینی ج ۳ ص ۷۴ امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر امام، أدنی الطهر عشرة أيام تهران، چاپ دوم، ۱۴۲۷

^۶ -عروه الوثقی ج ۱ ص ۱۳۱ طباطبایی یزدی، محمد کاظم -نشر اسلامی، قم، ۱۴۲۶-چاپ سوم الدم من کل ما له نفس سائله انسانا أو غيره کبیرا أو صغیرا قلیلا کان الدم أو کثیرا و أما دم ما لا نفس له فظاهر کبیرا کان أو صغیرا کالسّمک و البق و البرغوث و کذا ما کان من غیر الحيوان کالموجود تحت الأحجار عند قتل سید الشهداء أرواحنا فداء و یستثنی من دم الحيوان المتخلف فی الذبیحة بعد خروج المتعارف سواء کان فی العروق أو فی اللحم أو فی القلب أو الکبد فإنه طاهر نعم إذا رجع دم المذبح إلى الجوف لرد النفس أو لكون رأس الذبیحة فی علو کان نجسا و یشرط فی طهاره المتخلف أن یكون مما یؤکل لحمه علی الأحوط فالمتخلف من غیر المأكول نجس

^۷ -الطهاره امام خمینی ج ۴ ص ۱۰۶ ملاقات دم نجس العین لسائر أجزائه، موجب لطرو نجاسة أخرى علیه منها، و هی غیر معفو عنها امام خمینی مؤسسه تنظیم و نشر امام، أدنی الطهر عشرة أيام، تهران، چاپ دوم، ۱۴۲۷

۱-۱-۲- واژه حیض

الف- حیض در لغت

حَيَّضَتْ: سیلت. ^۱ جاری شد.

الحیض: ^۲ الدّم الخارج من الرحم على وصف مخصوص في وقت مخصوص، و المَحِيض: الحیض و وقت الحیض و موضعه.

حیض: ^۳ الحیض معروف، و المرء الواحدة: الحیضه، و الاسم: الحیضه، و جمعها: الحیض. و الحیضات: جماعة، و الفعل: حاضت المرأة تحيض حیضا و محیضا، فالمحیض يكون اسما و مصدرا حَيَّضَه: ^۴ یک دفعه و یک بار خون حیض. حَيَّضَ نوبت، گردش، قاعده زنان، حال خون آمدن و بی‌نمازی زنان، رگل.

حَيَّضاً و مَحِيضاً و مَحَاضاً: ^۵ السَّيْلُ سيل روان شد. - ت المرأة: آن زن حیض شد، پس او حائض است و - ت: به سن حیض شدن رسید. - ت الشجرة: از درخت شیره‌ای سرخ رنگ مانند خون بیرون آمد

ب- معنای اصطلاحی

ب-۱ حیض در اصطلاح قرآن

وَ يَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ ... ^۶
محیض ^۷ به معنی حیض و وقت حیض و مکان حیض است.

محیض، ^۸ مصدر و اسم زمان و اسم مکان و بمعنی خون حیض استعمال می‌شود. بهتر است محیض اول را در آیه بمعنی خون و محیض دوم را بمعنی زمان بگیریم معنی آیه چنین می‌شود تو را از خون قاعدگی می‌پرسند بگو: آن یک نوع آزار است، از زنان در وقت حیض کنار شوید و با آنان مقاربت نکنید

^۱ - لسان العرب ج ۷ ص ۱۴۲ ابن منظور، محمد بن مکرم - دارصادر بیروت - ۱۴۱۴ - چاپ سوم

^۲ - مفردات فی غریب القرآن ص ۲۶۵ راغب اصفهانی، حسین بن محمد - دارالعلم دارالشمیه دمشق - ۱۴۱۲ - چاپ ششم - تحقیق صفوان عدنان

^۳ - العین ج ۳ ص ۲۶۷ فراهیدی، خلیل بن احمد، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۱۰، چاپ دوم

^۴ - جامع نوین - سیاح - ج ۱ ص ۳۶۰ سیاح - انتشارات اسلام، تهران،

^۵ - لاروس - خلیل جر - ج ۱ ص ۱۸۷۸ انتشارات امیر کبیر، تحقیق سید محمد، طیبیان

^۶ - بقره ۲۲۲ وَ يَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ

^۷ - مفردات ص ۲۶۵ راغب اصفهانی، حسین بن محمد - دارالعلم دارالشمیه دمشق - ۱۴۱۲ - چاپ ششم - تحقیق صفوان عدنان

^۸ - همان

تا پاک شوند. و اگر محیض اول بمعنی مصدر باشد معنی چنین است تورا از قاعده بودن می پرسند بگو آن آزاری است.

«يَسْتَلُونَكَ» نشان می دهد که قاعدگی و مباشرت با زنان در آن حال مورد اختلاف و گفتگو بوده تا کار به سؤال از آن حضرت کشیده است و ضمناً مطلب دارای اهمیت بوده تا قرآن مجید به بحث از آن پرداخته است.

اللَّائِي يَيْسُنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ شَرِيفَه در بیان عده طلاق است که اگر در یائسه بودن زن شک شود و یا زن جوان باشد ولی بعلتی قاعده نشود هر دو باید بعد از طلاق، سه ماه عده نگاه دارند. یعنی زنانیکه از قاعدگی مأیوس اند اگر در یائسه بودن بتردید افتادید و همچنین زنانیکه قاعده نمیشوند، عده آنها سه ماه است^۲

ب - ۲- حیض در اصطلاح فقه

در کتاب الطهاره امام خمینی آمده است:^۳

خون حیض: خونی است که از رحم در حال استقامت و سلامت مزاج زن خارج می شود.

صاحب کتاب عروه الوثقی می نویسد:

خونی است که خلق کرده الله تعالی در رحم برای مصالحي و در غالب اوقات سیاه یا قرمز غلیظ تازه و با حرارت خارج می شود^۴

در کتاب غایت القصوی در ترجمه ی عروه الوثقی آمده است:

حیض^۵ خونی است که خداوند عالم آن را در رحم زنها قرار داده است به جهت حکم و مصالحي، که از جمله ی آنها این است که در زمان حمل طفل به آن تغذیه می کند و بعد از وضع حمل مبدل می شود به شیر

^۱- طلاق آیه ۴ و اللَّائِي يَيْسُنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتِ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا

^۲- قاموس قران ج ۲ ص ۲۰۷-۲۰۸ سیدعلی اکبر قرشی- دارالکتب الاسلامیه -تهران-۱۳۷۱-چاپ ششم

^۳- الطهاره ج ۱ ص ۹ حیض: ما تقدفه الرحم حال استقامتها و استقامه مزاج المرأة امام خمینی موسسه تنظیم و نشر امام آدنی الطهر عشره آیام تهران چاپ

دوم ۱۴۲۷

^۴- عروه الوثقی ج ۱ ص ۵۲۸ طباطبایی یزدی، محمد کاظم -نشر اسلامی قم ۱۴۲۶-چاپ سوم هو دم خلقه الله تعالی فی الرحم لمصالح و فی الغالب

أسود أو أحمر غلیظ طری حار یخرج بقوة و حرقة

^۵- الغایة القصوی فی ترجمه العروه الوثقی، ج ۱، ص: ۱۷۶ قمی، شیخ عباس، منشورات صبح پیروزی، ۱۴۲۳، چاپ اول، قم

از جهت غذای طفل. و در ازمنه‌ی دیگر در آنجا جمع می‌شود و در اوقات مخصوصه، از رحم به خارج می‌آید و گاهی از جهت زیادتی آن در زمان حمل و رضاع نیز به خارج می‌آید و در غالب، در هر ماهی، شش یا هفت روز می‌آید و کمتر و بیشتر هم می‌شود به حسب اختلاف امزجه در حرارت و برودت. و در غالب سیاه یا سرخ و غلیظ و تازه و گرم است و به قوت بیرون می‌آید. و در بیرون آمدنش سوزش به هم می‌رسد در باطن فرج.

۱-۱-۳- استحاضه

الف - معنای لغوی

استحاضه^۱ بمعنی طلب حیض، گویا مزاج زن و طبیعتش اقتضای خروج خون و سیلان آن را زائد بر عادتش دارد.

و مستحاضه: ^۲ زنی که خون از او خارج می‌شود و استحاضه است. الاستِحاضَةُ: ^۳ خروج خون در زن بعد از أيام حیض که به آن عادت دارد. يقال: استَحِيضَتْ، فهي مُسْتَحِضَةٌ، و هو استفعال من الحِيض، زمانی که خون جریان یابد فإذا سال فی غیر أيام معلوم و از رگ غیر از رگ حیض قلت: استَحِيضَتْ، فهي مُسْتَحِضَةٌ.

ب- ۱ استحاضه در اصطلاح قرآن

در قرآن اصطلاح استحاضه به کار نرفته است.

ب- ۲ استحاضه در اصطلاح فقه

خون استحاضه: ^۴ آنچه در حال انحراف؛ و ضعف و مرض و غیر آن از رحم خارج شود. خون استحاضه: ^۱ خون استحاضه از احداث موجب وضو و غسل وقتی که از فرج اگر چه به اندازه ی سر سوزن خارج شود، و استمرار یابد است. اجرا احکام آن اگر از رگ عاذل به فضای فرج است و اگر چه خارج نشود. و در غالب اوقات زرد و رقیق و بدون فشار و حرارت به عکس حیض خارج می‌شود.

^۱ -التحقیق فی کلمات القرآن ج ۲ ص ۳۲۸ مصطفوی حسن -بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰، فکأن مزاج المرأة و طبیعتها اقتضت خروج الدم

و سیلانه زاندا علی ما هو عادتھا

^۲ -همان المرأة التي یسبل منها الدم فلا یرقاً

^۳ -لسان العرب ج ۲ ص ۱۴۲ -ابن منظور محمد بن مکرم -دارصادر بیروت -۱۴۱۴ -چاپ سوم أن یستمر بالمرأة خروج الدم بعد أيام حیضها المعتاد فإذا سال فی غیر أيام معلومه و من غیر عرق المَحِيض.

^۴ -الطهاره ج ۱ ص ۹ ما تقدفه حال الانحراف؛ لضعف أو مرض أو غیرهما. امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر امام، تهران، چاپ دوم، ۱۴۲۷

استحاضه: ^۲ خون استحاضه یکی از احداث موجبیه وضوء و غسل است اگر بیرون آید به خارج فرج، اگر چه به قدر سر سوزنی باشد. و کفایت می کند در بقاء و استمرار حدث، بقاء آن در باطن بلکه مجرد بیرون آمدن آن از رگی که مسمای به «عازل» است کافی است در تحقق حدث، بنا بر احوط هر چند هنوز در فضاء فرج باشد و به خارج نیامده باشد. و آن در غالب زرد و سرد و صاف و رقیق و فاسد است که به سستی بیرون می آید بدون سوزش و گزندگی، به عکس خون حیض. و گاهی به صفات حیض می باشد مثل این که گاهی حیض به صفات او است. و از برای قلیل و کثیر آن حدی نیست و هر خونی که از نفاس و جرح و قرح نباشد و محکوم به حیضیت هم نباشد؛ محکوم به استحاضه است. و هر گاه مشتبه شود به خونهای دیگر و به امارات و علامات، معلوم نشود اگر صفات استحاضه دارد محکوم به استحاضه است.^۳

۱-۱-۴- قاعده و قاعدگی در لغت و اصطلاح

الف-قاعده در لغت

قاعده: بنیان، اساس، پایه، اصل^۴

القواعد:^۵ جمع قاعدٍ و هی المرأة الکبیره المسننه، هکذا یقال بغير هاء أی أنها ذات قعود، فأما قاعده فهی فاعله من قعدت قعوداً، و یجمع علی قواعد أيضاً. و قعدت النخله: حملت سنه و لم تحمل أخرى. و القاعده: أصلُ الأس، و القواعد: الأساس، و قواعد البيت إیسائه.

القاعده:^۶ لمن قعدت عن الحيض و التزوج، و القواعد جمعها. قال: وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ^۷

قاعدگی: ^۱ این که خون از رحم ماهی یک مرتبه به مدت چند روز که آن را عادت یا قاعدگی یا حیض و بی نمازی هم می گویند.

^۱ - عروه الوثقی ج ۱ ص ۵۸۸ طباطبایی یزدی، محمد کاظم - نشر اسلامی، قم، ۱۴۲۶- چاپ سوم دم الاستحاضه من الأحداث الموجبه للوضوء و الغسل إذا خرج إلى خارج الفرج و لو بمقدار رأس إبرة و یستمر حدثها ما دام فی الباطن باقیا بل الأحوط إجراء أحكامها- إن خرج من العرق المسمى بالعازل إلى فضاء الفرج و إن لم یخرج إلى خارجه و هو فی الأغلب أصفر بارد رقیق یخرج بغير قوة و لذع و حرقه بعکس الحيض.

^۲ - الغایة القصوی فی ترجمه العروه الوثقی، ج ۱، ص: ۱۹۵، قمی، شیخ عباس، منشورات صیح پیروزی، ۱۴۲۳، چاپ اول، قم

^۳ - الغایة القصوی فی ترجمه العروه الوثقی، ج ۱، ص: ۱۹۵، قمی، شیخ عباس، منشورات صیح پیروزی، ۱۴۲۳، چاپ اول، قم

^۴ - فرهنگ عمید ص ۹۶۷ حسن عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶، چاپ نهم

^۵ - لسان العرب ج ۳ ص ۳۶۱ ابن منظور، محمد بن مکرم - دارصادر بیروت - ۱۴۱۴ - چاپ سوم

^۶ - لسان العرب ج ۳ ص ۳۶۱ ابن منظور، محمد بن مکرم - دارصادر بیروت - ۱۴۱۴ - چاپ سوم

^۷ - مفردات فی غریب القرآن ج ۱ ص ۶۷۹ راغب اصفهانی، حسین بن محمد - دارالعلم دارالشمیه دمشق - ۱۴۱۲ - چاپ ششم - تحقیق صفوان عدنان

^۸ - نور آیه ۶۰ وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّائِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ